



Overview of Documents and Resources Related to Marble and Goldsmithing Jobs in the Qajar Period Javad Choupaniyan¹

Received: 19, August, 2021; Accepted: 21, September, 2021

Finding gold and treasure has many long history and has happened in any period of history of this land. In the Qajar period, this issue was also one of the major issues of that era, and as the documents of this period come to light, he guided actively engaged in this work, which is known as the marble or gold shoring. In the Qajar era, the underground was the treasure of found objects such as pottery and tiles and objects of gold and silver and stones and glass stones and bronze weapons and old coins, and any other objects such as those that were digging or accidentally came from inside the soil. But, as a result of this kind of occupation as a class that will do so, only in the Qajar period, we are witnessing even negotiating with the central government and officially doing so as at a time to several thousand people. This is an investigative work that is more based on documents and analytically attempts to identify the profession and trade is less talked about. This occupation had an effective effect on the beginning of the Iranian studies in Iran and coincided with the Western archeological activities in Iran, which were started by the Jews of Iran and even formed a union for themselves that corresponded with the court, the Ministry of Foreign Affairs and the Interior and the Antiquities Department. And they themselves acted as amateur archaeologists who helped the government. During the prime ministership of Hassan Ali Mansour, he started working and closed many of these people who were now digging under the auspices of brick-and-mortar factories. Even now, these brick-and-mortar factories in the city Ray represent the same activities.

doi
10.22059/jis.2021.331784.1040
Print ISSN: 2252-0643-Online ISSN: 2676-4601
<https://jis.ut.ac.ir>

Keyword: tile kani, tala shoie, Naseredin shah, Mozafarodin shah, Qajar period, document.

1. Assistant Professor of History, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran. Email of the corresponding author: choupaniyan@yahoo.com

بررسی اجمالی اسناد و منابع مربوط به شغل تیله کنی و طلا شویی در دوره قاجار

جواد چوپانیان^۱

استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

علمی - پژوهشی

چکیده

یافتن طلا و گنج قدمتی دیرینه دارد و احتمالاً در بعضی از دوره‌های تاریخی این سرزمین به گونه‌ای رخ نشان داده است. در روزگار قاجاریه نیز این مسئله بعنوان یکی از مسائل مطرح آن روزگار وجود داشته و آنطور که از اسناد و مدارک بر می‌آید، صنفی به صورت فعال بدین کار مبادرت می‌نموده که به تیله‌کنان و یا طلا‌شوران معروف بوده‌اند. در این عصر منظور از زیر خاکی و گنج‌یابی، بدست آمدن اشیایی گران بهاء بود که از زیر خاک پیدا می‌شد مانند ظروف سفالی و کاشی و اشیایی از جنس طلا، نقره، سنگ‌های تزئینی، شیشه، اسلحه‌های مفرغی، سکه‌های قدیمی و هر قسم اشیاء نظیر آنها که ضمن حفاری آگاهانه یا تصادفی از درون خاک به دست می‌آمد. اما اینکه این شغل به صورت یک صنف درآید که تعداد بیشماری مبادرت بدین عمل نمودند، خود مقوله‌ای جدید است که در دوره قاجاریه رخ داده است. آنان حتی در این زمینه با دولت مرکزی مذاکره می‌کردند و زمانی تا چندین هزار نفر رسماً بدین کار مشغول بوده‌اند. این اثر تحقیقی است که بیشتر بر پایه اسناد و برخی منابع دوره قاجار از جمله برخی سفرنامه‌ها شکل گرفته و با دیدی کاملاً انتقادی به عملکرد این شغل پرداخته و بصورت تحلیلی-توصیفی سعی در فهم این حرفه و اثرات مخرب آن را بر آثار باستانی ایران دارد، امری که کمتر در مورد آن تحقیق شده است. این شغل تاثیر موثری بر آغاز جریان ایران شناسی در ایران نیز داشته و حتی پیشتر از فعالیتهای باستان شناسی غربیان در ایران بوده، که توسط یهودیان ایران آغاز شد و خودشان را بعنوان باستان شناس آماتور (حفاری تجاری) می‌دانستند که به خزانه حکومت کمک هم می‌کنند. این صنف حتی تا دوره پهلوی دوم هم در امور غارت آثار باستانی در شهر ری و دیگر نقاط ایران دخیل بودند. در زمان شاهان نخستین قاجار هیچ قانونی برای جلوگیری از اکتشافات و حفاری‌های ایرانیان و غربیان وجود نداشت. در زمان ناصرالدین شاه در ۱۶ دی القعه ۱۳۱۲ قمری اولین بار امتیاز اکتشافات علمی در تمام نقاط ایران به فرانسویان داده شد. که پس از تشکیل اولین مجلس ملی ایران آن را باطل نمود. اما اولین اساسنامه رسمی و قانونی در زمان رضا شاه به تاریخ ۳ آبان ۱۳۰۹ صادر شد که در آنهم متأسفانه حفاری تجاری و شخصی به رسمیت شناخته شد.

واژه‌های کلیدی: طلاشویی، تیله کنی، ناصرالدین شاه، قاجاریه، اسناد.

مقدمه

تیلِه (tile) در لغت به معنی خُرده سفال شکسته یا سفال و چیزهای دیگر آمده است. ناظم‌الاطبا ذیل عنوان تیلِه چنین آورده که «سفال شکسته و خُرده شده را گویند. اما در اصل تیلِه سنگ مُدوری است که بدان قُمار بازی می‌کنند. دهخدا تیلِه کن را نامی دانسته که برای پی‌گم کردن، یهودیان به حفاری شهرهای قدیم داده‌اند که از آنجاها اشیاء آنتیک قیمتی استخراج می‌کنند» و آن را مترادف لغت عربی حفار دانسته که «زمین‌های خسف شده و مانند آن را کاویده، جهت یافتن اشیاء عتیقه» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵؛ ۶۳۴۸)، این تعریف در فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن نیز آمده است (نک؛ معین، ۱۳۵۳: ۱۸۱)؛ فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی (حسن انوری ۳/۱۳۸۱: ۲۰۲۰) مرحوم دهخدا و هم مرحوم محمد معین این لغت را مترادف طلا شویی یا طلا شوری دانسته، آن را شغلی می‌دانند که کارش کندن «زمین‌های مُنخسفه یا مخروبه باستانی برای یافتن عتیقه و گنج یا زیر و بالا کردن زمین و جستن آنچه در آن است بود» (حسن انوری ۳/۱۳۸۱: ۲۰۲۰).

اگر سری به ادبیات غنی فارسی بیندازیم و برخی از نسخ خطی را جستجو کنیم می‌توانیم در یابیم که گنج یابی قدمتی به درازای تاریخ انسان دارد، وجود تعداد بیشماری کتاب که تقریباً همگی بصورت نسخه خطی است- به دلایل مختلف چاپ آنها غیر مجاز است- یا برخی چاپ اُفست نشانگر آن است که از قدیم الایام مردمان ایران به این شغل تمایل داشته‌اند. کتبی نظیر: شاقول ابن سینا (نسخه خطی)، گنج نامه شیخ بهائی (نسخه خطی)، گنج نامه خواجه نصیر الدین توسی (نسخه خطی)، میر داماد کبیر (نسخه خطی)، گنج نامه شاه نعمت الله ولی (نسخه خطی)، گنج نامه منسوب به حضرت سلیمان (نسخه خطی) و صدها کتاب در خصوص گنج‌ها و مسائل مربوط به آن است که بنا به ملاحظات سیاسی و امنیتی هیچوقت چاپ نشده است، و گنج نامه وزیری که در دوره قاجار به نگارش درآمده، گنج نامه مازندران- که آن هم در دوره قاجار تالیف شده- (رجوع شود به سایت www.pinterest.com). اما به تقریب می‌توان حدس زد که از زمان صفویه و با ورود اروپاییان به ایران و آشنایی هرچه بیشتر مردمان ایران با مفاهیمی چون عتیقه و گنج این حرفه شدت و حدت بیشتری بخود گرفت و کار بدان صورت در آمد که در اواسط دوره قاجاریه (یعنی زمان سلطنت فتحعلیشاه) ما با انبوهی از حفاران مجاز و غیر مجاز طرف هستیم که برای خود صنفی تشکیل داده و به شدت بدنبال درآمد و منفعت خود هستند. البته حفاری و بدنبال گنج گشتن در خرابه‌ها از قدیم

الایام وجود داشته، اما به جرات می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران زمین به مانند دوره قاجار ما با انبوهی از افرادی که بطور مستمر بدین کار مبادرت می‌ورزند، روبرو نیستیم. در این دوره تیله کنان و طلا شویان این عمل را بعنوان شغل اول خود انتخاب کرده، بدان می‌پردازند و نه بصورت تفنّن. در ثانی برای خود صنف دارند و به نام آن صنف با دولت مرکزی مکاتبه می‌کنند و خواهان آن بودند که به سبب کسب درآمد برای دولت از طریق مالیات بر حفاری و یا حقوق گمرکی که بجهت خروج کالا از مرز پرداخت می‌کنند و یا بدین سبب که با فروش و فرستادن اشیاء باستانی به موزه‌های جهان نظیر لوور پاریس، بریتیش میوزیوم لندن، آرمیتاژ سن پترزبورگ، و موزه‌های امریکا سبب شناسایی هر چه بیشتر و بهتر ایران و تمدن قدیم آن در میان ملل متمدنه جهان می‌شوند مورد توجه قرار گرفته، بیشتر به این صنف بها داده شده است (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱/۹۴۴۳/۲۱۰۸۰).

۱. پیشنهاد تحقیق

در خصوص پیشنهاد تحقیق هم باید گفت که تاکنون هیچ کتاب و مقاله مستقلی در خصوص این شغل و حرفه به چاپ نرسیده است. البته این بدان معنا نیست که نقش و نوشته‌های بزرگان باستان‌شناس ایران اعم از عزت‌الله نگهبان، مصطفوی کاشانی، عبدی و بهرامی نژاد و از همه مهمتر ملک شهمیرزادی را کم اهمیت جلوه دهیم. حتی محققانی چون جعفر شهری که کتابهای بشماره‌ی درباره تهران نگاشته اند همچون: طهران قدیم در ۵ مجلد، طهران قدیم در شش مجلد و تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم در ۶ مجلد و بسیار آثار دیگر به این حرفه و شغل و یا صنف نپرداخته اند و فقط در خصوص یهودیان تهران قلم فرسایی کرده اند. اما کسی تاکنون راه این بزرگان را پی نرفته، چون عمده مطالب در خصوص این حفاران غیر مجاز بیشتر در اسناد و میکرو فیلم‌ها موجود است که شامل هزاران سند می‌شود. این تحقیق از این جهت با ارزش است که با استفاده از اسناد و منابع کتبی روزگار قاجار بدین کار مبادرت کرده است، که البته پر از اشکال و خطا نیز هست.

صد البته که نگارش در مورد کسانی که باعث نابودی بسیاری از میراث کهن این سرزمین شدند و به خاطر اندک پولی همه مکانهای باستانی را کندو کاو کردند، بسیار سخت و زجر آور است. اما شاید با خواندن این مقاله عده‌ای که هنوز چنین نیت شومی دارند، از این عمل منصرف کند. این دو اصطلاح «زمین کنی» و «طلا شویی» مترادف

هم و به معنی حفاریهای غیر مجاز در دوره قاجاریه از ابتدای آن بکار می‌رفته است. اعتماد السلطنه در این خصوص چنین می‌گوید: «فرانسه‌ها در شهر شوش قدیم که در خوزستان است زمین کنی کرده در عمارت مخروبه بهمن دراز دست کیانی خیلی اسباب نفیس از قبیل مجسمات طلا و قوچ‌های طلا از خاک بیرون آوردند.» (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۹۴۳۸: ۱) و این امر باعث پیدایش حرفه ای خرابکار و در عین حال بسیار فعال به نام گنج یاب گردید و در این باره کتب زیادی به نام گنجنامه توسط افراد سود جو نوشته شد. بر اساس منابع کتبی موجود گنج یابی آنچنان رواج پیدا کرده بود که حتی نام بعضی از محل‌هایی را که در آنها به منظور یافتن گنج و آثار باستانی خاک برداری می‌کردند تغییر دادند و نام‌هایی مانند گنج تپه، گنج دره و یا گنج آباد بر آنها می‌نهادند. تصویری از یکی از این گنجنامه‌ها در صفحه ۵ شماره ۱۲۵۹۹ روزنامه کیهان مورخ ۲۹ آبان ۱۳۶۴ چاپ شده است (ملک شه میرزادی، ۱۳۷۸: ۲۲-۵۶).

۲. حفاری‌های اروپاییان در ایران عصر قاجار

پیش از ورود باستان‌شناسان غربی، حفاریات و کندوکاو‌هایی در مناطقی که حدس زده می‌شد کهن و باستانی است، توسط افراد مختلف انجام می‌گرفت که گاه سران و بزرگان حکومتی نیز در این امور شرکت داشتند. می‌گویند آقامحمدخان قاجار در حین شکار در ری برای اولین بار به فعالیت‌های تیله‌کنی (حفاری غیر مجاز) برخورد کرد و پس از مشاهده اشیائی که از زیر خاک درآورده بودند از خرید این آثار بوسیله یهودیان اظهار تعجب کرد و تا آخرین روز سلطنت خود نسبت به چیزهایی که تیله‌کن‌ها در ری بدست می‌آوردند توجه نکرد و در اثر این گونه برخوردها تیله‌کنی به یکی از مشاغل رایج آن روز شهر ری تبدیل گشت. طبق نوشته عبدالله مستوفی در کتاب خود آقا محمد خان قاجار در جریان بازدید از شهر ری از مشاهده‌ی کارگران حفاری که به قول ایشان تعدادشان بی شمار بوده، دچار تعجب می‌شود و وقتی می‌فهمد که این افراد کارگرانی هستند که برای یهودیان تیله کنی می‌کنند، از دیدن اشیاء عتیقه و زیر خاکی دچار نفرت می‌شود و به اطرافیان‌ش می‌گوید این قبیل اشیاء که نفرت انگیز هستند و هیچ زیبایی ندارند، چطور به درد یهودیان می‌خورند (مستوفی، ۱۳۷۱: ج اول ۱۰-۹-۸).

وی در بخشی دیگر چنین می‌گوید که: «آقا محمد خان قاجار روزی که در زمین‌های ری شکار می‌کرد دید که عده‌ای از مردم در آن اراضی با کلنگ مشغول حفاری هستند و با بیل خاک‌ها را عقب می‌زنند. چون آنها مشغول کشت و زرع نبودند و

بنائی هم نمی‌کردند خواجه قاجار تصور نمود که مشغول کردن قبر هستند و از آنها پرسید چه واقعه اتفاق افتاده که اینهمه قبر می‌کنید؟ یکی از آنها که مورد خطاب خواجه قاجار قرار گرفته بود جواب داد ما قبر نمی‌کنیم بلکه مشغول تیله کنی هستیم. خواجه قاجار پرسید تیله کنی چیست؟ آن مرد جواب داد ما زمین را حفر می‌کنیم تا از زیر خاک، چیزهائی بدست بیاوریم و بیشتر ظروف سفالی نصیب ما می‌شود. خواجه قاجار پرسید ظروف سفالی که از زیر خاک بدست بیاید برای شما چه فایده دارد. آن مرد گفت که ظروف را به (محلّه) می‌بریم و می‌فروشیم. خواجه قاجار، چون بطوری که گفته شد در گذشته در تهران زندگی و تحصیل می‌کرد می‌دانست که وقتی تهرانی‌ها کلمه محلّه را بطور مطلق بکار می‌برند مقصودشان محلّه ایست که در زبان ما فرانسویها باسم (گتو) خوانده می‌شود یعنی محلّه سکونت یهودی‌ها. در ضلع جنوب شرقی تهران محلّه‌ای وجود داشت که یهودیها در آن بسر می‌بردند و آقا محمد خان قاجار هنگامی که در تهران تحصیل می‌کرد آن محلّه را دیده بود. اما در آن موقع در تهران تیله کنی متداول نبود و خواجه قاجار فهمید که بعد از رفتن او به شیراز و توقف متمادی در فارس، تیله کنی در آن شهر متداول گردیده است. آقا محمد خان قاجار مایل شد چیزهائی را که تیله کن‌ها از زیر خاک بیرون می‌آورند و بیشتر ظروف سفالین بود ببیند و آن روز، در آن محل کسی چیزی بدست نیاورده بود تا به خواجه قاجار نشان بدهد. ولی بعد از این که از شکار مراجعت کرد چند ظرف سفالین را که از اراضی ری بدست آمده بود بوی نشان دادند و گفتند که آن ظروف را یهودی‌ها که در محلّه سکونت دارند، از تیله کن‌ها خریداری می‌نمایند. آقا محمد خان قاجار که از اشیاء عتیقه فقط جواهر و سکه‌های طلا را می‌پسندید از مشاهده ظروف سفالین که از زیر خاک به دست آمده بود متنفر شد و گفت حیرت می‌کنم که یهودیها این ظروف را که قشنگی ندارد برای چه خریداری می‌نمایند و تا آخرین روز سلطنت خود نسبت به چیزهائی که تیله کن‌ها در اراضی ری از زیر خاک بدست می‌آوردند توجه نکرد و هنوز دوره سلطنت آقا محمد خان قاجار به انتها نرسیده بود که کشف اشیاء عتیقه در اراضی ری یکی از مشاغل بالنسبه مهم سکنه تهران و روستاهای اطراف آن شهر شد و عده‌ای از مردم هر بامداد از شهر خارج می‌شدند و به اراضی ری می‌رفتند و مبادرت به حفاری می‌نمودند و آنچه بدست می‌آوردند به محلّه‌ای که مسکن یهودیان بود می‌بردند و می‌فروختند و یهودیان هم اشیاء خریداری شده را بوسیله کاروان به کشورهای خارج می‌فرستادند و بعد از این که آقا

محمد خان قاجار بر جنوب ایران مسلط شد اشیاء عتیقه‌ای که در منطقه تهران بدست می‌آمد از راه جنوب ایران به کشورهای دیگر صادر می‌گردید...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۸/۱: ۱۷۶) البته این بدان معنی نیست که آقا محمد خان قاجار اشیاء عتیقه و با ارزش را دوست نداشته و یا اینکه در پی کسب طلا و جواهر نبوده است. آقا محمد خان برای دست بسر کردن شاهزاده نادری سفری به مشهد نمود. مأمورین شاه شاهزاده نادری نابینا را برای نقدینه و جواهرهای نادر شاه بشکنجه گرفتند (مستوفی، ۱۳۷۱/۱: ۱۳-۱۴).

پس از آقا محمد خان فتحعلیشاه، ناصرالدین شاه قاجار، عزالدوله برادرش، فرهاد میرزا عموی او که حکمران فارس بود، این اجازه را به خود داده بودند که در خرابه‌های تخت جمشید و بخش شمالی صفه عده‌ای کارگر را به کندوکاو وادار کند. همچنین صنایع‌الدوله و محمد حسین خان اعتمادالسلطنه نیز از جمله این افراد درباری بودند که خود به امر حفاری غیر مجاز یا همان تیله کنی روی آوردند. در زمان فتحعلیشاه نیز با پذیرش تحدید حدود تیله‌کنی که عبارت بود از حفر خندقی کم عمق و کم عرض در اطراف منطقه‌ای که حفاری می‌کردند برای آنها حقی نیز به وجود آمد. «در دوره فتحعلیشاه برای تحدید حدود اراضی مورد اکتشاف، قانونی هم وضع شد (مستوفی، ۱۳۷۱/۱: ۲۲-۲۰). در فتحعلیشاه این تیله‌کنان طبق دستوری شاهانه، زمینی را که در آن مشغول کار بودند تحدید حدود می‌کردند تا این که تیله‌کن‌های دیگر نتوانند در آن مشغول حفاری شوند و وسیله تحدید حدود عبارت بود از یک خندق کم عمق و کم عرض که هر تیله‌کن، اطراف منطقه‌ای که در آن حفاری می‌کرد، حفر می‌نمود. فتحعلیشاه این نوع تحدید حدود را برسمیت شناخت و مقرر داشت که هیچ تیله‌کن نباید وارد منطقه محدود تیله‌کن دیگر شود و اگر شد تیله‌کنی که صاحب زمین است حق دارد که با تیله‌کن دیگر رفتاری چون رفتار یک صاحب خانه با دزد بکند (مستوفی، ۱۳۷۱/۱: ۲۵-۲۶).

مدت صد سال، هزاران تیله‌کن از سکنه تهران و روستاهای اطراف آن شهر، اراضی ری را برای به دست آوردن سکه‌های زر یا ظروف سفالین مورد حفاری قرار دادند و چون همه آنها افرادی بیسواد و بی اطلاع بودند و نمی‌توانستند به ارزش اسناد تاریخی پی ببرند کتیبه‌هایی را که از زیر خاک بدست می‌آمد درهم می‌شکستند چون فکر می‌کردند که بدون ارزش است. این کار باعث شد، نه فقط اسناد تاریخی از بین برود، بلکه یک قسمت

از آثار جالب توجه که کمک به تاریخ انسان شناسی می‌کرد نیز نابود شود. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه یکی از تیله‌کن‌ها در زمین خود اسکلت هائی کشف کرد که (وسعت جمجمه آنها ده برابر جمجمه‌های اموات قبرستان بود) این رقم، اغراق است اما وسعت جمجمه هائی که در اراضی ری از زیر خاک بدست آمد بیش از جمجمه‌های عادی بود. حتی مردم عامی بعد از دیدن آن جمجمه‌ها می‌گفتند که استخوان کسانی است که در هزاران سال قبل از آن تاریخ می‌زیسته‌اند. اگر تیله‌کن‌ها و کسانی که اشیاء آنها را خریداری می‌کردند عامی نبودند می‌فهمیدند که آن اسکلت‌ها از نظر تاریخ انسان شناسی دارای ارزش بسیار است. ولی چون بی اطلاع بودند تمام استخوانها را در چاهی ریختند و دیگر آن اسکلت‌ها بدست نیامد. یک قسمت از تیله‌کن‌ها بعد از این که از بدست آوردن سکه‌های زر و اشیای گرانبها ناامید شدند قطعه زمین خود را که تحدید حدود کرده بودند مبدل به باغ نمودند (اگر آب داشتند) و یک قسمت از باغ‌هائی که در اراضی ری احداث شد، زمین تیله‌کن‌ها بود که در صورت دسترسی به آب، زمین بایر را تبدیل به باغ کردند (مستوفی، ۱/۱۳۷۱: ۳۹۴-۳۹۳ همچنین: ملک شهمیرزادی، ۱۳۶۵: ۱۳۳). در این دوره تیله‌کن‌ها و یهودیان تهران زمین‌های شهر ری را برای حفاری و بیرون آوردن اشیاء زیر خاکی و قیمتی به قطعات کوچکی تحدید نموده و بین خود تقسیم کردند و در پیش چشم مسوولان مملکتی در آن قطعات به حفاری باستان شناسی مشغول شدند و در کمال تعجب این تقسیم بندی و حفاری جنبه قانونی به خود گرفت و به رسمیت شناخته شده، مورد قبول شاه و دربار و کاربدستان حکومتی واقع شد. بیشتر مردم آن زمان در پی یافتن طلا و مسکوکات بودند. هدف عمده این مردم که از امور فرهنگی اطلاعی نداشتند و هیچ آشنایی با آثار تاریخی و باستانی نداشتند، فقط یافتن سکه‌های نقره و طلا یا هر نوع آثاری بود که در بازار آن روز خریدار داشت. البته خریداران این گونه اشیاء هم معمولاً یهودیانی بودند که با اروپاییان و عتیقه خران آشنایی یا رابطه داشتند و به وسیله آنان اشیاء باستانی از کشور ایران خارج می‌شد. (مصطفوی، ۳/۱۳۳۴: ۳۶۷). گرچه بعد از روی آوردن درباریان و حتی شخص شاهنشاه متاسفانه هیچ تغییری در نگاه مردم و درباریان به آثار باستانی حاصل نشد و همان تفکر بدست آوردن گنج و طلا حاکم بود و بیشتر این حفاری‌ها در جهت کشف طلا و نقره صورت می‌گرفت. آن احساس گاهی در بعضی از این رجال بسیار شدید بود. در میان پادشاهان قاجار می‌توان ناصرالدین شاه را به دلیل داشتن چنین احساساتی شاه گنج یاب نامید. ناصرالدین شاه به دو طریق اقدام به حفاری و یا به تعبیر

خودش طلا شویی می‌کرد. یا خود شخصاً اقدام به حفاری می‌کرد و به کمک عمله جات خود محلی را کندو و کاو کرده، خود را بعنوان یک تیله کن نشان می‌داد، و یا اینکه به موجب قانونی که بعداً توسط مجلس شورای ملی اول به تصویب رسید، منطقه و یا محلی را به اشخاص با نفوذ و اکثراً رجال و متمولین درباری به اجاره می‌داد که بصورت کاملاً قانونی اقدام به حفاری نموده، فقط سهم دربار را به موجب معاهده‌ای که با حفاران می‌بست پرداخت کنند. مثلاً در سندی تحت عنوان «گزارش از حفاری آثار عتیقه برای ناصرالدین شاه که به تاریخ ۵ ربیع الاول ۱۲۹۲ ه ق است چنین آمده: «قربان خاکپای اقدس همایونت شوم»».

عمله جات که در سر کار بودند با آدم خانه زاد حالا مراجعت نموده، می‌گویند در جای آخری که نشان فرمودید آنجا که «محقق» مهره پیدا کرد، کوزه شکسته و ذغال و دو سه دیزی شکسته در آمد. لکن در مکان‌های دیگر اثری پیدا نشده است. اعتقاد خانه‌زاد این است که فردا را هم مشغول کار باشند، شاید چیزی معلوم شود. تفضیل را برای خاطر اقدس همایون جسارت نمود. امر امر همایون است. (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۴۵۵۶۴ و همچنین اعتماد السلطنه، ۱/۱۳۹۸-۲: ۸۴۱-۵۳۲-۴۰۷). شواهد موجود گواه آنست که اقدام به حفاری که معمولاً توسط مردم عامی و درباریان شروع شده بود، در این دوره توسعه زیادی یافت. بهر حال آنچه می‌توان از مدارک موجود استنباط نمود این است که در این دوران حفاری بدون هیچ مانعی صورت می‌پذیرفته است به نحوی که حتی ناصرالدین شاه در کتاب خاطرات خود به صراحت به این نوع حفاری برای خودش توسط عمله جات خاصه اشاره می‌کند (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۶: ۳۵). از این همه ولنگاری و بی قانونی، برخی از غربیان سوء استفاده کرده و جرات نمودند که در تخت جمشید نیز دست به حفاری غیر مجاز بزنند. و به قول سعیدی سیرجانی «از قرار مسموع سطح خرابه‌های تخت جمشید را حفر نموده بودند بعضی مجسمه سنگی نمایان شده است. و نیز جای عمارتی بزرگ هویدا گردید و یک دهنه اسب و یک لوح آهنی هم پیدا شده است ولی نقش روی آن لوح نمایان نیست. هنوز هم در کار حفر کردن می‌باشند.» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۷۰، همچنین نجم الملک، ۱۳۶۲: ۱۵). کم کم پای خارجیان نیز به این حفاری‌های غیر مجاز باز شد. کسانی چون جمیز فوریه فرانسوی و مالایانس روسی و هایقاز افندی عثمانیایی و بلوشر و رنه دالمانی فرانسوی و وزیر مختار انگلیس و بسیاری دیگر از خارجیان با کمک یهودیان تیله کن قدم در این راه گذاشتند.

به نقل از جمیز فوریه حتی اشخاصی به مانند اعتماد السلطنه که وزیر انطباعات ناصرالدین شاه بود، نیز از سر تفنن یا پول دوستی بدین کار تیله کنی و حفاری می

پرداختند. اعتمادالسلطنه با این که سرسری به کاوش این خرابه‌ها پرداخت در آنجا تعدادی کاشی زرنگار و دو شمعدان مسی یافت و منهم با اینکه زیاد نگشتم چند قطعه کاشی شکسته از همان جنس به دست آوردم (فوریه، ۱۳۲۶: ۱۷۱-۱۷۲). همچنین خود اعتمادالسلطنه در کتاب روزنامه خاطراتش بسیار بدین موضوع اشاره می‌کند. (اعتمادالسلطنه، ۱/۱۳۸۹-۲: ۴۴۷-۷۳۱-۷۳۲-۸۲۴).

دخالت بزرگان حکومت قاجاریه در حفاری‌های سودجویانه از مدارک و اسناد فراوانی که وجود دارد، قابل استنباط است. این حکام علاوه بر جهل فرهنگی، طمع فراوانی جهت بدست آوردن ثروت‌های باد آورده نیز دارند که همین امر سبب فزونی تخریب آثار این دوره می‌شود. ناصرالدین شاه در خاطرات خود می‌نویسد: «امروز هم در ری طلاشویی کرده بودند. من نرفتم، باد می‌آمد و خاک بود. امین حضور میرزا علیخان محقق را فرستادم رفته و طلا و نقره و اسباب زیاد درآوردند» (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۴: ۸۴). هیأت‌های سیاسی و دیپلمات‌های بیگانه نیز از سر تفتن در این تجسس‌ها و کندوکاوها داخل می‌شدند. در بین مراکز تاریخی باستانی، شهر ری و ویرانه‌های آن که در حاشیه جنوبی پایتخت قرار دارد و از همه بیشتر در دسترس ساکنان تهران است، گزینه بسیار خوبی برای هیأت‌های سیاسی مقیم تهران بود که یکشنبه‌ها سوار بر اسب به شهر ری می‌آمدند. دیپلمات‌ها در آن بین خرده ریزه‌ها به جستجو می‌پرداختند و به صورت تصادفی به حفاری دست می‌زدند (بلوشر، ۱۳۶۳: ۱۲۶).

از این نوع حفاری‌ها چیزی عاید مردم و حکومت نمی‌شد و هیچ کمکی به شناخت تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم نمی‌کرد. اما همین حفاری‌ها باعث گردید تا کاوشگران غربی کم‌کم به ایران و آثار باستانی آن جذب شوند و نخستین حفاری‌های علمی در ایران شکل گرفت. گرچه تا مدت‌ها همین حفاران اروپایی نیز هدفی جز کشف دفینه‌های گرانبها و آثار با ارزش نداشتند اما کم‌کم با افزایش دانش و خرد جمعی ایرانیان، دانش باستان‌شناسی در ایران و اروپا قوام خود را پیدا کرد (ملک شه‌میزادی، ۱۳۶۵: ۲۲). گرچه مطمئناً باستان‌شناسانی چون ویلیام کنت لفتوس، دومرگان، دیولافوا و غیره هدفی جز یافتن آثار گرانبها و انباشتن موزه‌های کشورهای خود از آثار شرقی نداشته‌اند، اما همین فعالیت‌های تلخ و ناگوار سرآغاز باستان‌شناسی در ایران و دیگر نقاط آسیا به شمار می‌رود.

این صنف طلا شوران و تیله کنان که در دوران حکومت ناصرالدین شاه بی نهایت رشد نمودند و چنانکه اسناد نشان می‌دهد تعدادی بالغ بر بیست هزار نفر- با مجوز- و بسیاری بدون مجوز، از مردم تهران و شهر ری به این حرفه روی آوردند. این طلا شوران و تیله کنان چون از سوی می‌دیدند که خود حکام اقدام به این کار می‌کنند و از سوی دیگر افسانه‌های بیشماری از پیدا شدن گنج در نقاط مختلف ایران بر سر زبانها افتاده بود و از سوی دیگر وجود خریداران دست به نقدی چون تاجران و سیاحان اروپایی را در اطراف خود می‌دیدند، به این کار پر مشقت روی می‌آوردند. اما نکته جالب توجه در این زمینه حضور پر رنگ یهودیان و در مرحله بعدی ارمنه ایرانی در این داد و ستد اشیاء فرهنگی است. این حفاری‌ها که کم کم نام حفاری تجاری به خود گرفت، دولت مرکزی را بر آن داشت تا به سازماندهی این صنف اقدام کند، بنابراین در سال ۱۳۰۹ قمری اقدام به تدوین نظام نامه حفظ آثار عتیقه در ایران گرفت (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۷۷۶۷).

درست در همین زمان کم کم سرو کله هیأت‌های باستان شناسی غربی نیز به ایران باز شد که خواهان گرفتن امتیاز حفاری در ایران را داشتند. پس دولت مرکزی مجبور شد به حفاران داخلی نیز تحت عنوان حفاری تجاری، اجازه حفاری تحت نظر اداره عتیقات وزارت معارف را بدهد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۰۵۴/۴۴۹۶).

گرچه هدف دولت از این کار سازماندهی این صنف و جلوگیری از قاچاق آثار عتیقه بود، اما اسناد این دوره تا اواخر دوره قاجار و حتی دوره پهلوی پر است از گزارشاتی که فقط حفاری‌های غیر مجاز و مجاز را به دولت مرکزی گزارش می‌کردند و عملاً دولت توان مقابله مناسب با آنان را نداشت (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به اسنادسازمان ملی ایران، تحت عناوینی چون حفاری‌های غیر مجاز، غارت آثار عتیقه، یهودیان و حفاری‌های غیر مجاز در دوره قاجار رجوع شود که هزاران سند در این خصوص وجود دارد و همچنین اسناد میکرو فیلمی که با کد آثار باستانی، اسناد دستی وزرات معارف و آموزش و پرورش با کد عتیقات و اسناد ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه).

از طرفی دیگر همان نظارت اندک دولت و اجرای نظام‌نامه حفظ آثار عتیقه برای جلوگیری از حفاری‌های غیر مجاز و دادن امتیاز حفاری کل ایران توسط ناصرالدین شاه و سپس مظفرالدین شاه، بسیاری از کسانی را که به عنوان حفار در خدمت تجار عتیقه فروش بودند، بی کار نمود. عریضه‌هایی که در سال ۱۳۱۰ ه ش از طرف این صنف تیله کنان برای هیات وزرا نوشته شده بود نشانگر این واقعیت بود که در تدوین نظام نامه

حفظ آثار عتیقه اصولاً موقعیت و جایگاه این صنف نادیده انگاشته شده بود. بعنوان مثال در چندین سند موجود از شکایت این صنف به دولت میتوان چنین استنباط کرد که این شغل با آمدن اروپاییان و قانونی کردن حفريات، کاملاً به خطر افتاده و دیگر مثل اوایل دولت قاجاریه این کار سود آنچنانی ندارد و به قول معرف سودش کمتر از زیانش شده بود، همچنین تعداد این تیله کنان رو به فزونی نهاده بود در حالی که نفع آن به شدت کاهش یافته بود. سند میکرو فیلمی شماره ۴۴۴۹ عریضه‌ای از طرف صنف حفار است که چنین می‌گوید:

... اولاً: تاکنون به مدت یک سال است که به واسطه وضع قانون حفظ آثار ملی، ما بیچارگان که بالغ بر دو- سه هزار نفر هستیم بیکار و ویلان و سرگردان، در پناه بزرگواری آن هیات معظم بسر می‌بریم. و با تقدیم عرایض عاجزانه خود تاکنون به جواب قاطعی سرفراز نشده‌ایم..... ما مجبور هستیم که در اراضی که ابداً قابل استفاده نیست به تومانی ۴ قران از مالکین اجاره نماییم. به اضافه تومانی دو قران که حق جواز و گمرک و اگر طبق ماده ۱۴ عمل شود ده یک ظرف به علاوه تومانی پنج قران که حق دولت است. در این صورت برای احدی ممکن نیست که زیر بار این قانون برود. در حالی که شاید در سال یک دانه ظرف صحیح از این اراضی غیر قابل، استخراج نشود که آن هم با یک ظرف دیگر متعلق به دولت است به اضافه نصف اشیاء مستخرجه حفاری که بایستی در سال درصدی ده تومان به اضافه مخارجی که در سال نموده است، مجاناً بدهد.

ثالثاً: حفاری ما هیچ ربطی به حفاری علمی ندارد و تجارتي است و اشیای مستخرجه ما عبارت از تیله‌های شکسته‌ای است که شاید چند سال دیگر به کلی از بین برود. این عملیات جز تهیه لقمه نانی برای ما بیچارگان و عایلات ما استفاده دیگری ندارد..... (اسناد وزرات معارف به شماره‌های ۲۴۴۲، و میکرو فیلم شماره ۸/۷۹۹۶/۱۱۳۰۰). چنانکه از این سند و دیگر اسناد مشابه به خوبی معلوم است در اواخر دولت قاجاریه یعنی در زمان احمد شاه و رضا شاه پهلوی دیگر این شغل به مانند اوایل دولت قاجاریه سود چندانی ندارد و به اصطلاح با زیاد شدن افرای که بدین حرفه روی آوردند و همچنین واگذاری امتیاز حفاری در تمام نقاط ایران به فرانسوی ها در دوره مظفرالدین شاه سود چندانی ندارد، بدین سبب ما با پدیده حفاری‌های غیر قانونی بسیاری روبرو هستیم که دور از چشم دولت اقدام به این کار می‌کنند. شواهد و مدارک و اسناد و همچنین اظهارات هانری رنه دالمانی فرانسوی که در اواخر دوره

قاجار به ایران سفر کرده نیز این اسناد و گفته‌ها را تأیید می‌کند. هانری رنه دالمانی فرانسوی که در اواخر عصر قاجار به ایران سفر می‌کند در خصوص عتیقه فروشان یهودی که در سراسر ایران بدین کار مشغولند و بدون ترس مبادرت به غارت اموال و میراث فرهنگی کشور خود دارند در جای جای کتاب خود اشاراتی می‌کند که قابل تأمل است. وی در جلد دوم کتاب خود چنین می‌گوید.

«یکشنبه ۱۵ سپتامبر در پایان روز بار دیگر فروشندگان اشیاء عتیقه به محل سکونتمان هجوم آوردند. پی در پی ظروف لعابی کوچک ولی خوشرنگ و بسیار دلربا به ما عرضه می‌شد، به طوری که خود من بی آنکه به فکر عاقبت کار باشم و به نحوه بسته بندی و حمل و نقل این اشیاء ظریف و شکننده بیندیشم، قطعه‌ای چند از آنها را خریدم.» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۵۰- همان ۱۳۳۵: ۲۶۹)

دالمانی در بین نام بردن از مشاغل تهران از صنف عتیقه فروشان و دلالان نیز نام می‌برد که گویا صنف معروفی در تهران آن زمان بوده‌اند. «... خدمه مهمانخانه ما را آگاه کردند که این معامله گرانِ سمج یهودی‌اند و تعطیل عمومی آنان شنبه است و در آن روز دست به هیچ کاری نمی‌زنند.» (همان ۱۳۳۵-۲). سراسر دوره ناصرالین و مظفردالدین شاه پر است از گزارشاتی که دلالت دارد بر حفاری نقاط مختلف ایران توسط این تیله کنان و طلافروشانبا مجوز یا بدون مجوز (اسنادسازمان ملی ایران، ۱۳۹۹۷۵۲: برگ‌های ۲۰-۱) و یا در سند شماره (۱۳۹۹۷۵۲، ۱۲۸۹ق: برگ‌های ۳۵-۲۰) چنین آمده است:

۳. حکومت جلیله دارالخلافه

«با قدغن های اکیدی که در منع حفر اراضی شده، هر روز خبر می‌رسد که فلان دسته یهودی در فلان جا مشغول حفرند و به هیچ ترتیب جلوگیری کامل از آنها نمی‌شود کرد. از جمله خبر داده‌اند که در قریه «کوهه زیونینگ» و «مام خاک» ساوجبلاغ چند نفر از آنها رفته و حفاری می‌کنند. خواهشمندم یک نفر مأمور صحیح که شریک و رفیق با کسی نشود بفرستید برود این یهودی‌ها را با هر چه اشیای عتیقه درآورده‌اند محفوظاً و مضبوطاً به شهر بیاورد و تحقیق هم بکند که علاوه بر آنچه موجود دارند چه ها در آورده از میان برده‌اند و تجدید خواهش می‌کنم که در تعیین مأمور دقت مخصوص مبدول فرمایند» (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۹۹۷۵۲).

نکته جالب توجه در این زمینه این است که بیشترین حفاریات توسط این تیله کنان در تهران و اطراف آن صورت می‌گرفت. نقاطی چون شهر ری و توابع آن، امین آباد، مُلک آباد، ورامین، ساوه، شهریار، کرج، هشتگرد، اشتهارد، فیروز کوه، دماوند، شمیرانات،

خوار، ملک آباد، ساوجبلاغ، در تیول این افراد قرار داشت و آنها بطور مستمر میان آنجا و تهران در رفت و آمد بودند. بیشتر این یهودیان از قشر مرفه جامعه خود بوده و به کارهای دیگر نظیر تجارت نیز مشغول بودند و در تهران تجارتخانه‌های نیز داشتند (سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم به شماره ۱۸۴۸۹/۳۱۱۷). سوال اساسی این مقاله این است که این یهودیان درآمد حاصل از این تجارت پر سود را در چه راهی خرج می کردند. این مقاله یک مکمل دیگری دارد تحت عنوان «خدمت یا خیانت» که در آن ردّ این پول های بادآورده را دنبال می کند که تا سال ۱۹۴۸ میلادی یعنی تأسیس دولت جعلی صهیونیستی ادامه دارد. کم کم پای هیأت‌های باستان شناسی غربی از جمله فرانسه به ایران باز شد و باستان شناسانی از انگلستان و امریکا جزو پیشگامان این امر در ایران شدند و با آمدن رضا شاه پهلوی و انتشار قانون جدید حفظ آثار ملی در سال ۱۳۰۹ خورشیدی فصل جدیدی در این شغل یا حرفه که بیشتر در اختیار یهودیان بود و دیگر جماعت حفار تیله کن بوجود آمد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۱۲ق: میکروفیلم ۷۱۰۰۱/۴۳۳۶).

دولت فرانسه اگرچه امتیاز اکتشاف سراسر ایران را گرفته بود، اما به سبب بزرگی و بکر بودن سرزمین ایران از جهت حفاریات باستان شناسی، به همان شوش و اطراف آن قناعت کرد و این امر یکی از دلایل دوام این گروه و صنف تا اواخر دوره پهلوی شد. یکی از راه حل‌های این جماعت حفار یهودی این بود که زمین‌های شخصی یا اربابی و یا خالصه دولتی را از صاحبان آنها خریده و یا بصورت اجاره در آن اقدام به تیله کنی می کردند. اگر در آنجا چیزی می‌یافتند که تمام آن زمین و اطراف آن مورد کاوش قرار می‌گرفت و اگر چیزی یافت نمی‌شد به سراغ زمین بعدی و بعدی می‌رفتند. همان طور که گفته شد اکثر این حفاری‌ها در اطراف تهران صورت می‌گرفت و حفاران یهودی بین این زمین‌ها و تجارتخانه خود در تهران در رفت و آمد بودند. این قبیل حفاری‌ها گاه خسارت و درد سرهای زیادی برای صاحب ملک بهمراه داشت و گاه پیش می‌آمد که صاحب ملک پس از پس گرفتن آن چندین برابر برای ترمیم خرابی‌های آن می‌باید هزینه کند. این تیله کنان پس از اجاره زمین چون بصورت آماتور به کار حفاری می‌پرداختند گاه سوراخ‌های به عمق چندین متر در زمین ایجاد می‌کردند و اگر چیزی یافت نمی‌کردند، به سبب یاس در کار اقدام به تسطیح زمین نمی‌نمودند. بنابراین خساراتی از این جهت به مالک وارد می‌شد. اسناد بی‌شماری در این زمینه در دست است که حکایت از اقدام به خرید و یا اجاره ملکی توسط این حفاران یهودی دارد که یا

این زمین‌ها جزو خالصجات است و از دولت آن را اجاره یا خریده‌اند و یا مالک خصوصی داشت و از صاحبش و یا ارباب محل آنرا اجاره می‌نمودند. مثلاً برای اطلاع بیشتر می‌توان به (اسناد شماره ۹۲۶ به تاریخ ۱۵ مهر ۱۲۹۱ ش/ ۸ اکتبر ۱۹۱۲ میلادی و یا سازمان اسناد ملی ایران، ۱۲۹۱ ش: میکروفیلم شماره ۹۲۶ و یا سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۲ ق: میکروفیلم شماره ۲۴۰/۱۱۵/۳۷/۲۳۰) نگاهی انداخت.

البته دیگر اقشار مردم ایران نیز بدین کار مبادرت می‌کردند و این شغل تیله کنی و طلا شویی فقط مختص یهودیان، گبران و آرامنه نبود، بلکه مسلمانان نیز بنا بر فتوای مراجع آن زمان این شغل را مباح و در آمد حاصله از آن را حلال می‌دانستند. بنا بر سند سواد «عرض حال خواجه عبدالکریم صباغ» وکیل شخصی به نام «هایقاز» که تبعه عثمانی است و در ایران مبادرت به خرید اشیاء حاصل از حفاری عده‌ای یهودی در همدان نموده، علمای آن زمان جهان تشییع از آن جمله «آقا شیخ محمد کاظم خراسانی» این شغل را قانونی و درآمد حاصل از آن حلال دانسته است. و مطابق قانون شرع و این حکم صادر شده، عتیقه‌ها متعلق به حفارین و مالکین آن است.» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۲۸ ق: میکروفیلم شماره ۳۶۰/۳/۸۰/۶).

پس از روی کار آمدن رضا شاه و تصویب نظامنامه راجع به حفظ آثار عتیقه در سال ۱۳۰۹ باز هم شاهد حفاری های غیر مجاز هستیم. بدین سبب بسیاری از غیر یهودیان نیز در کار خرید و فروش عتیقه و یا حفاری و یا به اصطلاح همان روزگار تیله کنی حاضر شدند و بصورت مستقل بدین کار اقدام می‌کردند. در اسناد موجود، بسیاری از اجازه نامه های حفاری که توسط هیات دولت و کابینه آن زمان صادر شده، اسامی بیشماری از مسلمانان و غیر مسلمانان ایرانی و غیر ایرانی به چشم می‌خورد.

نکته قابل توجه در این مورد آن است که اکثر این حفاران خود از تحصیل کردگان آن روزگار ایران بوده که در اروپا درس خوانده و در آن محیط پرورش یافته بودند و بالطبع بیشتر با مفاهیمی چون میراث فرهنگی و حفظ و صیانت از آن آشنا بودند. برخی از این ایرانیان بقدری در این امر خبره بوده و معروف گشته بودند که حتی تا اواخر دوره پهلوی نام آنها و خاندانشان در اسناد به عنوان حفار تجارتي آمده است و همگان این خانواده‌ها را بدین شغل می‌شناختند. مثلاً حسن عتیقه چی و میرزا حسن مینایی و اسحاق کلیمی و ابراهیم گبای و پسرش یوسف و نجات ربیع و نور الله کهن و عزیز و ایوب ربینو و رفیع ربیع در دوره قاجاریه و خانواده دکتر ابراهیم خان محبوبیان که حتی

تا دوره پهلوی دوم نیز در «بزنجرده» همدان اقدام به حفاری می‌کردند و تا سال‌های ۱۳۲۵ هجری شمسی اسناد متعددی از این خانواده در بایگانی‌های مرکز اسناد و یا اسناد ریاست جمهوری موجود است (بهرامی و عبدی، ۱۳۸۰: ۱۱-۲۴).

عدم نظارت دولتی سبب می‌شد که غربی‌ها نیز جسارت کرده به دو شکل در این شغل داخل شوند. این حفاری‌های اروپاییان محدود به تهران و اطراف آن نبود بلکه تمام سرزمین ایران را در بر می‌گرفت. ایشان به هر کجا که پا می‌گذاشتند و متوجه می‌شدند که می‌توان در آن عتیقه یافت بی‌درنگ با کمک اهالی محل و مستخدمین خود سریعاً اقدام می‌کردند و منتظر اجازه از مرکز و غیره نمی‌ماندند (بزدانی، ۱۳۸۰: ۴۰-۴۷). مثلاً سر اورل آستین انگلیسی بدون آگاهی مأمورین دولتی در کوه خواجه سیستان اقدام به حفاری می‌کند و مقامات محلی فقط به گزارش این مطلب به مرکز اکتفا می‌کنند. رکن الوزراء کارگزار سیستان در تلگرافی به مرکز گزارش می‌دهد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۴ق: میکروفیلم شماره ۹۱۴/۹۸۱). یا اینکه امین مالیه سیستان در نامه‌ای حفاری غیر قانونی ویس کنسول انگلیس در سیستان را به اطلاع وزارت امور خارجه و خزانه داری کل می‌رساند (همان: میکروفیلم شماره ۲۴۰/۱۴۷/۳۹/۱).

یهودیان تپله‌کن که از زمان آقا محمد خان قاجار توانسته بودند در شهر ری و اطراف تهران به حفاری مجاز و غیر مجاز مبادرت کنند با روی کار آمدن خاندان پهلوی باز هم به کار خود ادامه دادند و فقط روشها و مدت خود را تغییر دادند. این حفاران تپله‌کن در زمان پادشاهی رضا شاه و محمدرضا شاه ابتدا با محدودیت‌هایی مواجه شدند و سخت‌گیری‌هایی درباره‌ی آنان اعمال شد که به ظاهر بساط تپله‌فروشی آنها به هم ریخته و از آزادی عمل آنان جلوگیری به عمل آمد و یهودیان تپله‌کن از شهر ری اخراج و حفاری‌شان تعطیل شد اما آنها برای ادامه‌ی کارشان دست به ابتکار جدید و تازه‌ای زدند. بدین معنی که به بهانه ساخت آجر و یا کارخانه‌شن شویی تمامی اراضی شهر ری را به تصرف در آورده و قدم به قدم کارخانه‌های آجر سازی ساختند. زیرا در کار آجر سازی کوچک‌ترین حساب و کتابی در کار نیست و اصول حفاری باستان‌شناسی نیز رعایت نخواهد شد (کیخسروی، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۵).

یهودیان با این شگرد و نقشه نو ظهور توانستند سالیان متمادی بدون دغدغه و تشویش زمین‌های شهر ری را تا عمق چندین متر بکنند و خاکش را سرند کنند و هر آنچه اشیای زیر خاکی می‌یافتند بدون هیچ مانعی به تاراج ببرند، به گونه‌ای که ظرف

چند سال تعداد بی‌شماری کوره‌های آجرسازی مانند قارچ‌های بهاری سر از زمین‌های شهر ری در آوردند و دودکش‌های بد منظر آن آجرسازی‌ها جای ساختمان‌های باستانی شهر ری را گرفتند و این شهر باستانی و تاریخی یک پارچه به کارگاه‌ها و کارخانه‌های سنگ بری و آجر سازی تبدیل شد. با گذشت زمان نهضت آجر سازی در شهر ری آن چنان بالا گرفت که اختیار شهر ری از دست دولت وقت خارج شد و این شهر و اطرافش عملاً به حاکمیت یهودیان و تیله کن‌ها در آمد و آنان یک نوع حکومت خود مختار در این شهر تشکیل داده و خود اختیار دار آن شدند. بنا به نوشته‌ی آقای جهان‌شاه صالح مرحوم رزم آرا نخست وزیر وقت ایران ناچار می‌شود به بهانه جلوگیری از آلودگی هوا شبانه به شهر ری حمله نظامی کند و در یک یورش غافلگیر کننده، شهر ری را از چنگ یهودیان تیله کن خارج و حاکمیت ملی را در آنجا برقرار کند (کیخسروی، ۱۳۶۳: ۲۶-۲۵).

علیرغم تبلیغات وسیعی که در دوران پهلوی اول و دوم صورت گرفت حفاران و تیله کنان حرفه‌ای به کار خود تحت لوای قانون و به صورت حفاری تجاری ادامه داده و خسارت بی‌شماری به آثار ایران وارد نمودند و این در حالی است که خاندان پهلوی با شعار باستان گرایی و احیاء گذشته پر افتخار این سرزمین توانسته بود برای خود محبوبیت خوبی در میان قشر تحصیلکرده بدست آورند. اما در باطن به دلیل قوانین قدیمی و دید کاملاً سنتی ماموران حکومتی، تفاوت محسوسی نسبت به دوره قاجار حاصل نشد و صنف حفار و تیله کن به کار خود ادامه دادند و این در حالی بود که فعالیت گروه‌های حفاری خارجی نظیر فرانسویان، آلمانی‌ها، انگلیسی‌ها، امریکایی‌ها و حتی ایتالیایی‌ها، افزایش شدیدی یافت (کیخسروی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

۴. نتیجه

در نتیجه این حفاری‌های غیر مجاز که از همان آغاز سلطنت آقا محمدخان قاجار صورت گرفت، بسیاری از آثار گرانبه‌ای کشورمان سر از موزه‌های لندن، لوور پاریس، آرمیتاژ سنت پترزبورگ در آوردند و این غفلت باعث سرشار شدن این موزه‌ها از آثار و تمدن ایرانی گشت و برای غارتگران خارجی نظیر دیولافواها دریافت عالی‌ترین نشان دولت فرانسه به ارمغان آورد؛ اما باعث شد که در درون خود ایران و پس از گذشت سال‌ها عمق این فاجعه درک شود، بنحوی که اگر شخصی بخواهد در خصوص تمدن ایلام سخن بگوید، باید سری به موزه لوور بزند. یا اینکه اگر دانشجویی بخواهد در خصوص سکه‌های ساسانی تحقیق کند به ناچار از موزه آرمیتاژ سنت پترزبورگ روسیه

کمک بگیرد. همان طور که در خلال بحث متوجه شدیم گشتن به دنبال آثار درگذشتگان شاید عمری به درازنای تاریخ داشته باشد، اما بی‌شک در هیچ دوره‌ای این حفاری‌های غیر مجاز به اندازه دوره سلطنت قاجاریه به هويت و تاریخ ما صدمه نزد. اما با همه آن‌همه تلخی که گفتیم، این تیله کنان و طلاشوران را بی‌شک باید نخستین نسل از باستان‌شناسان آماتور دانست که باعث افتادن نام ایران به عنوان کشوری پُر از آثار باستانی بر سر زبان‌ها شدند و این باعث سیل هجوم دسته‌هایی باستان‌شناسی غربی به ایران گردید. اگرچه این صنف تیله کن به تاریخ ایران بسیار صدمه زد، اما از سوئی باعث شناساندن ایران تاریخی به جهان غرب نیز شدند و از این زمان بود که سیل گروه‌های حفاری از تمام نقاط دنیا راهی ایران شدند و این خود باعث آغاز باستان‌گرایی ایرانیان و هويت باستانی ایرانیان شد که اکنون بدان افتخار می‌کنند و در پی آن باعث ایجاد رشته‌هایی در این خصوص در دانشگاه‌ها شد که باستان‌شناسی و ایران‌شناسی را به طور علمی مورد پژوهش قرار دادند. خیلی از همین باستان‌شناسان غربی اولیه نیز کاری جز نظیر دیولافوا غارت آثار تاریخی ایران نداشتند؛ اما همین تغییر دیدگاه باعث شد جهان دید خود را به آثار باستانی عوض کند و باستان‌شناسی حرفه‌ای به وجود آید و پس از چندین دهه همین افراد به پاسداری آثار باستانی نیاکانشان همت گماشتند.

منابع

- اعتماد السلطنه، محمد حسنخان، ۱۳۴۵، *روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- بلوشر، وپپرت، ۱۳۶۳، *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- بهرامی، روح الله و عیسی عبدی، ۱۳۸۰، *اسنادی از باستان‌شناسی در ایران (حفریات، عتیقات و بناهای تاریخی)*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران.
- دالمانی، هانری رنه، ۱۳۳۵، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری: مشتمل بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، فلاحتی، و صنایع ایران از قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، امیرکبیر.
- دهخدا علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، جلد پنجم، تهران، دانشگاه تهران.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر، ۱۳۵۳، *وقایع اتفاقیه مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران*، از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ه ق، تهران، نشر نو.
- ملک شه میرزادی، صادق، ۱۳۶۵، *ایران در پیش از تاریخ باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی*، تهران، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱، به سرپرستی حسن انوری، تهران، سخن.
- فوریه، جمیز، ۱۳۲۶، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال، تهران، علمی.

کرزن، جورج ناتانیل، ۱۳۸۷، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی. کیخسروی، رشید، ۱۳۸۸، *دوران بی خبری سومین گزارش درباره تاراج آثار باستانی ایران*، تهران آرتامیس. کیخسروی، رشید، ۱۳۶۳، *دوران بی خبری گنج زیویه و درنامه روستائیان زیویه اولین گزارش*، تهران، ناشر نویسنده.

صفائی، ابراهیم، ۲۵۳۵، *برگه‌های تاریخ دوران قاجار (شامل ۴۸ برگ سند دوره ناصرالدین شاه)*، تهران، نشر بابک.

مستوفی، عبدالله، ۱۳۷۱، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، تهران، هرمس. مصطفوی کاشانی، سید محمد تقی، ۱۳۸۱، *مجموعه مقالات*، به کوشش مهدی صدری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مصطفوی کاشانی، سیدمحمدتقی، ۱۳۳۴، *تلاش‌ها در راه خدمت به آثار ملی*، تهران، گزارش‌های باستان‌شناسی.

معین، محمد، ۱۳۵۳، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.

ناصرالدین شاه قاجار، بی تا، *سفرنامه*، بقلم ناصرالدین شاه به خط میرزا رضا کلهر، تهران، کتابخانه سنایی. ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۴، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار (از ربیع الاول ۱۳۰۸ الی ربیع الثانی ۱۳۰۹ ق)*، تصحیح و ویرایش مجید عبدامین-نسرین خلیلی، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۹، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه*، تصحیح و ویرایش و مقدمه عبدالحسین نوایی و الهام ملک زاده، تهران سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار، بی تا، *سفرنامه کربلا و نجف*، تهران، کتابخانه ملی ایران.

نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۷۶، *مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران*، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

یزدانی، مرضیه، ۱۳۸۰، *اسناد هیأت‌های باستان‌شناسی در ایران (۱۲۵۴-۱۳۴۵ ش)*، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

نجم‌الملک حاج عبدالغفار، ۱۳۶۲، *سفرنامه خوزستان*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، علمی. ملک شهمیرزادی، صادق، ۱۳۶۵، *اشاره‌ای مختصر بر تحول باستان‌شناسی در ایران*، *مجله اثر سازمان ملی حفاظت آثار باستانی*.

سایت‌های اینترنتی

1. <http://www.pinterest.ir>
2. <http://www.dafineh.4kia.ir>

اسناد و میکروفیلم‌ها

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت جلیله فواید عامه، حفاری بدون مجوز کلیمیان در ساوجبلاغ و توقیف اشیاء عتیقه استخراجی، مورخه ۱۸ جمادی الاخر شماره ۱۳۹۹۷۵۲ ورقه ۳ تا ۱.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت معارف و فواید عامه، اداره عتیقیات، حفاری بدون مجوز کلیمیان در ساوجبلاغ و توقیف اشیاء استخراجی، تاریخ ۲۱ جمادی الثانیه، شماره ۱۳۹۹۷۵۲، ورقه‌های ۵ تا ۱۰.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، تصویب نامه هیت وزراء در مورد صورت امکان تاریخی و جلوگیری از حفريات استخراج عتیقه بدون اجازه دولت، ۱۲ آبان ۱۳۰۹، شماره ۱۴۰۳۰۵۸۲، ورقه.

سازمان اسناد ملی ایران، بد رفتاری معتمدالدوله با یهودیان فارس، بی تا، شماره ۲۸۸۶۳۷۰، چهار برگ سازمان اسناد ملی ایران، وزارت عدلیه، تقاضای ارسال پرونده حفريات خوار به وزارت عدلیه، دایره استنطاق، سال ۱۳۳۱ق، ۱۴۷۶۳۸۵، پنج برگ.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت مالیه، قرارداد حفر زمین بایر در قرب این بابویه به تاریخ ۸ جوزای جمادی الاول ۱۳۳۱ق، به شماره ۱۳۵۰۹۶۱، شش برگ.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت معارف، امور مربوط به حفاری غیر قانونی یهودیان و رسیدگی به آن، بدون تاریخ، شماره ۶۰۰۱۸۵۸، ۵۸ برگ سند.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت جلیله داخله حکومت خمسه، بخشنامه ممنوعیت حفر اراضی و استخراج عتیقات بدون مجوز، به تاریخ ۱۳۰۰ قمری، ۱۶ برگ سند.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت داخله، گزارش کشف کالاهای کلیمیان در کرمانشاه، به تاریخ ۱۳۱۳ قمری، شماره سند ۱۳۷۳۸۲، ۵۲ برگ سند.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت داخله، گزارش از حفاری آثار عتیقه برای ناصرالدین شاه، ۵ ربیع الاول ۱۲۹۲ قمری، شماره سند ۱۴۴۵۵۶۴، ۱۹ برگ سند.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت امور خارجه، رونوشت قرارداد اصلاح شده واگذاری امتیاز حفريات عتیقه به فرانسویان، ۲ رجب المرجب ۱۳۳۰ قمری، شماره سند ۱۴۷۷۷۶۷، ۱۰ برگ سند.

میکروفیلم ها

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت امور خارجه، الزام فرستادن نماینده از طرف دولت ایران برای نظارت بر کار فرانسویان، نمره ۱۱۷۲۲، به تاریخ ۱۳۳۲ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت داخله، نمره ۳۱۷/۱۸۸۹ حفاری بدون مجوز کلیمیان در ساوجبلاغ و توقیف اشیاء استخراجی، ۱۳۲۸ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت معارف و اوقاف و فواید عامه، دایره عتیقات، نمره شماره ۱۲۸/۲۰۱، حفاری بدون مجوز کلیمیان در ساوجبلاغ و توقیف اشیاء استخراجی، ۱۳۲۸ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت معارف، نمره ۳۳۴/۱۶۱، حفاری بدون مجوز کلیمیان در قریه اشتهارد و توابع آن، ۱۳۲۸ق.

سازمان اسناد ملی ایران، راپوت اداره تلگرافی دولت علیه ایران، شماره ۲-۲۹۳/۸/۹۴/۱-۲، حفريات غیر قانونی یهودیان در فیروز کوه، لار، دماوند و درخواست اقدام در جهت توقیف آنها، ۱۳۲۸ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت مالیه، شماره ۲۲۵۱۷، گزارش از فروش سنگی مهور به مهر داریوش اول به خط میخی توسط رکن الوله به مسیو نوز، ۱۳۲۹ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت مالیه، شماره ۲۳۶۷۹، مقروض بودن چند نفر یهودی به وزارت معارف به دلیل حفاری غیر قانونی و فروش مسکوکات طلا و اشیاء عتیقه، ۱۳۲۹ق.

سازمان اسناد ملی ایران، عریضه دکتر ابراهیم همدانی در باب استرداد اشیای عتیقه، نمره ندارد، ۱۳۲۸ق.

سازمان اسناد ملی ایران، خزانه داری کل، نمره ۰۷۹۰/۶۲۱۰، گزارش از حفاری در املاک خالصه شهریار توسط مأمور سفارت انگلیس به همراه یهودیان، ۱۳۳۲ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت مالیه، نمره ۶۰۹۰، راپرت فیض‌الله کلیمی از حفاری بدون اجازه دولت در املاک خالصه توسط یهودیان، ۱۳۳۲ق.

سازمان اسناد ملی ایران، خزانه داری کل، نمره ۲۱۳۳۶، بریده جراید (رعد) و (بامداد) در مورد حفاری در تپه ذوالفقار و خیانت امین مالیه خوار، ۱۳۳۳ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت مالیه، نمره ۲۹۱۷۱، حفاری غیرقانونی ویس کنسول انگلیس در سیستان، ۱۳۳۴ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت مالیه، نمره ۲۹۱۷۳، حفاری سر اورل استین در کوه خواجه بدون اطلاع و یا أخذ مجوز، ۱۳۳۴ق.

سازمان اسناد ملی ایران، ریاست وزرا، نمره ۳۹۶۹، ممانعت از خروج اشیای عتیقه بدون پاندول وزارت معارف در تمام نقاط سرحدی ایران، ۱۳۳۷ق.

سازمان اسناد ملی ایران، وزارت معارف، تصویب نظامنامه میثت وزرا راجع به حفظ آثار عتیقه، نمره ۱۴۰۳۰۵، ۱۲ آبان ۱۳۰۹ ش.